

## The Effect of Religious Misbelief on the Formation of Takfiri Groups and Suicide Missions<sup>1</sup>

Siroos Esmailzadeh<sup>1</sup>  
Yaghoob poor Jamal<sup>2</sup>  
Saiid Hasanzadeh Delgosha<sup>3</sup>

1. PhD student of Andishe Imam Khomeini, Department of Fegh and Islamic law, Islamic Azad University, Tabriz branch, Tabriz, Iran. *esmaeilzadeh.siros@gmail.com*
2. Assistant Professor, Department of Fegh and Islamic law, Islamic Azad University, Tabriz branch, Tabriz, Iran (Corresponding Author). *yraz.pourjamal@gmail.com*
3. Assistant Professor, Department of Fegh and Islamic law, Islamic Azad University, Tabriz branch, Tabriz, Iran. *saeid.ahad.bager@gmail.com*

**Received:** 12 June 2019; **Accepted:** 7 September 2019

### Abstract

The present study aims to determine contributing factors effective on the formation of Takfiri groups, their approach to suicide operation, as well as the analysis of their false perception of Qur'anic verses and Hadith on the concept of Jihad and defense. The results of this research conducted by inferential-analytical method reveal that Takfiri movements by their extremist Akhbari tendencies and reliance on superficial and selective interpretations accuse others to heresy and bid'ah. They extend the circle of Takfir to all humans including Muslims due to their shallow perceptions so they commit the violent murder of innocent people neglecting the principles of Jihad, defense, and martyrdom whereas such misconducts are not compatible with the soul of Islam. However, suicide mission has been regarded permissible under some specific conditions because it relies on religious and ethical criteria in terms of defending Islamic foundation against violators.

**Keywords:** Takfir, Religious Misbelief, Takfiri Groups, Suicide Missions, Takfiri Salafism, Salafism, The Principle of Tatarros

---

1. This article comes from a doctoral thesis entitled: A comparative study of the modality of suicide and acts of affiliates and its rulings in Islamic jurisprudence.

## نقش کج‌فهمی دینی در شکل‌گیری گروه‌های تکفیری و عملیات‌های انتحاری<sup>۱</sup>

سیروس اسماعیل‌زاده<sup>۱</sup>

یعقوب پورجمال<sup>۲</sup>

سعید حسن‌زاده دلگشا<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری اندیشه امام خمینی، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز، تبریز، ایران.  
esmaeilzadeh.siros@gmail.com

۲. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز، تبریز، ایران (نویسنده مسئول).  
yraz.pourjamal@gmail.com

۳. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز، تبریز، ایران.  
saeid.ahad.bager@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۲۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۱۶

### چکیده

هدف پژوهش حاضر تبیین عوامل شکل‌گیری گروه‌های تکفیری و رویکرد آنها نسبت به عملیات استشهادی و بررسی میانی و برداشت‌های نادرست آنها از آیات و روایات وارده در باب جهاد و دفاع بود. نتایج این پژوهش که با روش استنباطی-تحلیلی انجام شد، گویای آن است که جریان‌های تکفیری با نقل‌گرایی افراطی و با تمسک به ظواهر و تفسیر گزینشی، دیگران را به شرک و بدعت متهم کرده و دایره تکفیر را با برداشت سطحی به تمام انسان‌ها از جمله مسلمانان بسط داده و بدون در نظر گرفتن قواعد جهاد و دفاع و شهادت، اقدام به خشونت و کشتار علیه انسان‌های بی‌گناه می‌کنند. در حالی که این گونه اقدامات با روح اسلام سازگار نیست. در عین حال عملیات استشهادی به دلیل اتکاء به شاخص‌های دینی و اخلاقی در مقام دفاع و دفع تجاوز از اساس اسلام، در شرایط خاص جایز شمرده شده است.

**واژه‌های کلیدی:** تکفیر، کج‌فهمی دینی، گروه‌های تکفیری، عملیات‌های انتحاری، سلفی‌گری تکفیری، سلفیت، قاعده تترس.

۱. برگرفته از: رساله دکتری: سیروس اسماعیل‌زاده، «مطالعه تطبیقی ماهیت انتحار و عملیات استشهادی و احکام آن در فقه اسلام»، استاد راهنما دکتر یعقوب پورجمال.

## ۱. مقدمه

دین در ارتباط با حیات بشری گزاره‌هایی را ارائه داده و هدف آن حفظ و تأمین امنیت فردی - جمعی جامعه است که فقهای اسلام از آن با عنوان «مصالح خمس» یاد کرده‌اند (حقیقت، ۱۳۹۳: ص ۲۸). لذا، برای تأمین مصالح مذکور با توجه به دو عنصر زمان و مکان، احکام خاصی را صادر می‌کنند، که لازمه آن تفسیر متون دینی بوسیله علم فقه می‌باشد. با توجه به اینکه گزاره‌های صادره برای تأمین حفظ امنیت فردی و اجتماعی جامعه در قرآن کریم به صورت کلی و عمدتاً غیرمصرح بوده، همین امر ایجاب می‌کند در درک مناط احکام واقعی اسلام ارتباط بین جزء و کل آیات توأمان در نظر گرفته شود تا از خطر افتادن به جزئی‌گرایی و یا کل‌گرایی در امان ماند. متأسفانه جریان‌های افراطی و تفریطی در جهان اسلام با افتادن در این مهلکه از درک احکام واقعی اسلام عاجز مانده و به جای خودانتقادی، انگشت اتهام را به سوی دیگران نشانه گرفته و سعی در تکفیر و خشونت علیه مخالفین خود دارند. در دهه‌های اخیر نیز مسئله تکفیر نمود بیشتری یافته و اندیشمندان اسلامی از زاویای متعددی به طرح این مساله پرداخته‌اند. عده‌ای بر عامل خارجی تاکید کرده که زمینه‌ساز پیدایش جریان تکفیری و به تبع آن قتل انسان‌های بی‌گناه با حربه و ابزار تکفیر شده است (میراحمدی؛ ولدبیگی، ۱۳۹۵: ص ۱۲۰). برخی زمینه پیدایش آن را به جریان‌های سلفیت دینی منتسب می‌کنند که در مقابل نوگرایی دینی واکنش نشان داده و علاج بیماری جهان اسلام را در بازگشت به دین و اسلام سلف جستجو می‌کنند و از بطن این دسته دوم، جریان انحرافی ظاهر شده که با معرفت‌شناسی ناقص خود که مشخصه آن نقل‌گرایی به دور از تعقل، ظاهرگرایی، رد معنای مجازی و استعاره‌ای در فهم متون دینی زمینه را برای تفسیر کج‌فهمانه از دین و سنت فراهم و مخالفین خود را به بهانه بدعت و خروج از اسلام اصیل تکفیر می‌کنند.

این نوشتار درصدد پاسخ به این سوال است که چه عواملی منجر به کج‌فهمی دینی و به تبع آن گسترش عملیات تروریستی و تکفیری شده است؟ از مهمترین عوامل این امر برداشت‌های نادرست از آیات و تاکید بر ظواهر و دوری از تعقل و خردستیزی است. جریان‌های تکفیری با توجه به موارد مطروح در تعیین مصداق انتحار، عملیات استشهادی، از طرفی دایره تکفیر و شمولیت آن بدون

انطباق با نظر شارع مقدس دچار کج‌فهمی شده، در حالی که بین این دو به لحاظ ماهوی و جوهری تفاوت اساسی وجود داشته و نمی‌توان آن دو را در یک تقسیم‌بندی قرار داد. هدف پژوهش حاضر نشان دادن بنیان‌های روش‌شناسی سلفی‌گری تکفیری است که منجر به وقوع رفتارهای خشونت‌آمیز می‌شود. ضرورت انجام این پژوهش بر این است که بیشتر پژوهش‌های انجام گرفته تنها به اشکال و صور اعمال جریان‌های تکفیری متمرکز بوده و کمتر به علل و مبانی این نوع رویکرد اشاره کرده‌اند. در حالی که در پس هر عملی، مبانی فکری و عقیدتی قرار دارد که مجوزی برای انجام هرگونه فعل و اثری است و تا آن مبانی به درستی شناخته نشود، نمی‌توان به جواز و عدم یک عمل حکم داد.

## ۲.۱. ابزارهای شناخت و تأثیر آن در معرفت‌شناسی تکفیری‌ها

یکی از شروط اولیه در بررسی هر مکتب، روشی است که آن مکتب برای رسیدن به حقیقت و شناخت بکار می‌گیرد و شرط رسیدن به یک مبانی درست، ذهن خالی از داوری ارزشی و تعصب است (منوچهری، ۱۳۹۶: ص ۶۳).

در این میان متون دینی نیز به مثابه سایر علوم نیازمند ابزارهای خاص خود در شناخت از جمله فقه، اجتهاد، تفسیر و بهره‌گیری از علم اصول فقه می‌باشد و صرف تأکید بر یک متد ما را از رسیدن به حقیقت دین باز می‌دارد. در شرایط کنونی به دلیل عدم دسترسی مسلمانان به منشاء وحی و نبی مکرم اسلام (ص) راهی جز توسل به سایر ابزارهای شناخت که در متون دین از آنها به ادله نقلی و عقلی تعبیر شده نیست.

## ۲-۱. روش نقل‌گرائی

یکی از منابع اصلی برای رسیدن به حقایق دینی، نقل و احادیث وارده است، به عبارت دیگر، اقوال و گفتار معصومین زمینه کشف و رسیدن به مراد شارع را فراهم می‌نمایند. در باب مشروعیت روش نقلی بین مذاهب اسلامی اختلافی نیست، اما آنچه که در این میان محل اختلاف است، حد و مرز مشروعیت نقلی می‌باشد (علی‌زاده موسوی، ۱۳۸۹: ص ۴۵). برخی جریان‌های افراطی دچار

یک بیماری نقل‌گرای مفرط شده‌اند و تمام سعی خود را بر دور تسلسل نقل‌گرایی گذاشته و از ورود سایر منابع شناخت ممانعت به عمل آورده و در خوش‌بینانه‌ترین حالت از دیگر منابع به عنوان تاییدکننده صرف استفاده می‌نمایند که نظیر این‌گونه حرکات را می‌توان در گروه‌های سلفی-تکفیری مشاهده نمود (همان: ص ۲۳۹). طرف‌داران اندیشه تکفیر معتقدند بر هر مسلمانی واجب است بدون نیاز به فقها به قرآن مراجعه و مسائل را استنباط نماید و با این اعتقاد غلط حکم به تکفیر و قتل بسیاری از انسان‌های بی‌گناه را صادر کردند.

## ۲-۲. روش عقل‌گرائی

قوه تعقل (نبی باطنی) وجه تمایز انسان از حیوان، به عنوان یکی دیگر از راه‌های معتبر در شناخت، به عناوین ذی‌حجر، اولی‌البصار و اولوالباب متصف شده است (علی‌زاده موسوی، ۱۳۸۹: ج ۲، ص ۴۲). طباطبایی عقلی را که کشف‌کننده حقایق دینی است، این‌گونه معرفی می‌کند: مراد از عقل در کلام خدای متعال، ادراکی است که با سلامت فطرت انسانی حاصل می‌شود و عملی است که انسان مستقلاً بدان دسترسی پیدا می‌کند (طباطبایی، ۱۳۸۹، ج ۲: ص ۳۷۶). البته باید بین عقل‌گرایی افراطی دکارت با جمله معروف من می‌اندیشم، پس من هستم (عالم، ۱۳۹۰: ص ۲۶۳) و عقل‌گرایی معتدل که مورد تاکید اسلام است، تفکیک قائل شد، چرا که برخی از حوزه‌های دینی و اعتقادی، جنبه تعقلی داشته و می‌توان از راه تعقل به نظر شارع دست یافت، اما برخی حوزه‌ها خارج از دایره و اختیار عقل می‌باشد که نیازمند کشف شهود و یا ابزار وحی است.

## ۳. معرفت‌شناختی تکفیری‌ها

جریانی از دانش فلسفه که به قصد شناخت دانش و مبانی درست یک نظر و یا یک ایده می‌پردازد و انجام این عمل را از طریق ابزارهای خاص دنبال می‌نماید که می‌توان به اقسام عقل (نظری و عملی) کتاب، سنت، گاهاً شهود که در متون اسلامی به وحی تعبیر می‌شود، اشاره کرد. هر یک از شاخه‌ها و مکاتب دینی به خصوص در اسلام بر یکی از این جنبه‌های عقلی و نقلی استوار بوده که شناخت خود از دین را بر آن مبتنی کرده‌اند، پیشینه نقل‌گرایی قدیم را می‌توان در

مکتب اهل حدیث مالک بن انس (۱۷۹ق) شافعی (۲۰۴ق) ابن تیمیه و متأخرین را در دیدگاه محمدبن عبدالوهاب جستجو نمود (حقیقت، ۱۳۹۳: ص ۱۱۰). این گروه شناخت و عمل به دستورات دینی را تابع نقل و احادیث می‌داند و برای عقل و سایر منابع شناخت نقشی قائل نیستند و یا آن را مخدوم صرف تلقی کرده و وظیفه آن را نظریه‌پردازی در حوزه‌ای می‌داند که شرع اجازه داده است. به عبارت دیگر، نقش عقل تأییدکننده شرع است، نه استدلال و نظریه‌پردازی. در ارتباط با عقل‌گرایی می‌توان به مکاتب فلسفی و جریان اصول‌گرای مکتب معتزله اشاره نمود که معتقدند در کنار سنت و شرع مقدس، عقل نیز به ایجاد حکم در جایی که شرع سکوت کرده و یا حکمی را تصریح ننموده است می‌تواند به حکمی امر دهد و در تحلیل کلی هیچ‌گاه عقل به حکم و دستوری نخواهد رسید که مخالف شرع باشد و بالعکس. در این میان جریان‌های نقل‌گرای افراطی، منتهی به سلفیت تکفیری با بستن باب عقل، اجتهاد و تعقل فلسفی در دایره خشک جمودیت گرفتار و نتوانستند مقصود شارع را درک نمایند و برای تبرئه خود از حربه تکفیر و کشتار دیگر مسلمانان و انسان‌ها استفاده می‌نمایند که منافی روح اسلام است. از یک‌سو دایره تکفیر خود را با برداشت سطحی از آیات به تمام انسان‌ها و مسلمانان بسط داده بدون اینکه هدف اصلی را تشخیص دهند و از سوی دیگر با دستاویز قرار دادن برخی از آیات و روایات مربوط به جهاد و هجرت، از حقیقت اسلام و دستور شارع به دور افتاده و دست به هر اقدامی می‌زنند.

### ۳-۱. مبانی معرفتی جریان‌های تکفیری

#### ۳-۱-۱. سلفی‌گری

در بحث روش‌شناسی، مسلمانان عمدتاً از دو روش عقل‌گرایی و نقل‌گرایی استفاده می‌کنند. این دو روش در صدر اسلام نه تنها جدا از هم نبودند، بلکه مکمل هم بودند، به طوری که نه عقل مخالف نقل حکمی را صادر و نه نقل به حکمی مخالف عقل می‌رسد. اما با گذشت زمان و تقدّم مابین آن دو، موجب بوجود آمدن اختلافات کلامی و فلسفی در بین مسلمانان شده و زمینه را برای پیدایش مکاتب نقل‌گرایی و عقل‌گرایی در بین مذاهب اسلامی فراهم و منجر به طرد یکدیگر

و تکفیر هم شده که دامنه آن امروز به جریان‌های افراطی و تکفیری رسیده است. جریان تکفیری با نادیده گرفتن عقل، نگاهی افراطی به نقل را در پیش گرفته و دچار یک بیماری نقل‌گرای ابن تیمیه و دیگر سلفی‌ها شده است (علی‌زاده موسوی، ۱۳۸۹: ص ۱۸۶). به طور کلی جریان سلفی تکفیری همواره خواستار بیان عقاید اسلامی به همان نحوی است که در عصر صحابه و تابعین بوده و روش‌شناسی فهم اسلام سلفی - تکفیری را باید وارث اهل حدیث دانسته که رویکرد ظاهرگرا به نص و وحی الهی داشته و عمدتاً به ظاهر متون شرعیت توجه و در بسیار موارد سبقه سلفی، گذشته‌نگر و حتی نژادی به خود می‌گیرد، زیرا در این رویکرد فرض بر آن است که نص در درجه اول در الفاظ گستره فرهنگی و زبانی قریش و حجاز بنا شده و سایر مردمان که قادر به کسب این ملکه نباشند از ادراک معانی نص ناتوان خواهند بود (فیرحی، ۱۳۹۴: ص ۲۳۶).

سلفی‌ها با نگاه عام و استفاده مطلق و بدون قید و شرط از ظواهر و معانی آیات، نقل‌گرایی را پیشه خود ساخته و در فهم کشف معنای آیات و مراد شارع تنها به روش نقلی مشروعیت داده، تا جایی که نقل و گفته‌های ابن تیمیه را بر نص قرآن ترجیح می‌دهند و شرط‌های لازم روش نقلی، مانند بررسی وضعیت ناقل و شرایط نقل، سندیت و درایت منقول را مدنظر قرار نمی‌دهند و این جریان فکری به یک عادت بد حروف‌گرایی مبتلا و از معنا و ایجاز و مفهوم در قرآن و نصوص غافل هستند.

### ۳-۱-۲. عقل‌ستیزی

یکی دیگر از روش‌هایی که منجر به تکفیر شده، عقل‌ستیزی است. ترجیح نقل بر عقل و اولویت نص نازل شده اعم از قرآن، سنت و عمل صحابه مهم‌ترین اصل معرفت‌شناختی اشعری است که بر تمام کتاب «الابانه عن الاصول الدیانه» سایه انداخته (اشعری، ۱۳۲۱ق: ص ۱۱۱) و دانش سیاسی را نه بر پایه استدلال عقلی، بلکه بر مبنای (اتباع) نصوص دینی قرار داده است و آنها به عقل اعتباری قائل نبودند و آن را عامل گمراهی می‌دانستند و تنها نص که متکی بر وحی بود را معتبر می‌شماردند (عمید زنجانی، ۱۳۸۴: ج ۱، ص ۱۲۲). تعیین نسبت عقل و وحی منشاء بسیاری از اختلاف‌ها در جریان‌های مختلف اسلامی بوده و این اختلاف‌ها نه بر سر عنصر حذف عقل،

بلکه بر سر میزان نقش عقل است. در مقابل، جریان‌های تکفیری با دیدگاه تحقیرآمیز معتقدند عقل بشری ناقص بوده و به علت خطاپذیری و گمراهی در تشخیص‌ها، راهی جز تعبد محض در برابر نص ندارند و تردید مسلمانان در این گزاره را خروج از دین تلقی می‌کنند. ابن تیمیه برای اینکه از نفوذ عقل در زندگی سیاسی و اجتماعی مومنان بکاهد، حتی پذیرش ایمان به رسول خدا(ص) را با عقل، ایمان تلقی نکرده (فیرحی، ۱۳۸۷: ص ۲۴۵) و می‌نویسد: «اگر سخن پیامبر(ص) را تنها در صورتی بپذیرد که برخلاف عقل صریح نباشد، چنین شخصی هرگز مومن واقعی نخواهد بود و عقل معارض نص و از جمله عمل صحابه در عرصه سیاسی و اجتماعی را اصلاً عقل نمی‌داند، بلکه خیالاتی است که جامه عقل پوشیده‌اند» (ابن تیمیه، ۱۹۷۱م: ص ۱۷۸). در مجموع گرایش ضد عقلی در جریان سلفی - تکفیری چنان ریشه گرفته است که خردستیزی از مهم‌ترین مبانی فکری آن بوده و برخلاف سایر فرق اهل سنت با هرگونه جولان عقل در قلمرو شرع به مبارزه پرداخته و تمامی ادله‌های عقلی مانند قیاس، استصحاب را مردود اعلام کرده‌اند (فیرحی، ۱۳۸۷: ص ۲۵۶).

### ۳-۱-۳. نگرش گزینشی به آیات و روایات

یکی دیگر از مبانی معرفتی در جریان‌های سلفی و تکفیری، نگاه گزینشی به آیات و روایات برای تبیین دیدگاه است. شرط لازم برای درک یک معنا و متن، برقراری ارتباط بین جزء و کل است که در علم تفسیر از آن تحت دور هرمنوتیک یا همان دور تفسیری یاد می‌شود (قوام، ۱۳۹۲: ص ۱۰۹). جریان سلفی با منقطع کردن آیات و نداشتن نگرش پیوسته و عدم ارتباط بین جزء و کل عمدتاً در تشخیص معنا و مراد شارع دچار اشتباه می‌شوند. چراکه جریان‌ات افراطی، با بهانه قرار دادن ظاهر برخی آیات مرتبط با جهاد و تکفیر و عدم پیوستگی بین آیات و انتخاب گزینشی نصوص مدنظر، به انتحار و قتل عام دیگر مسلمانان و انسان‌ها دست می‌زند و عمل خود را در ذیل جهاد توجیه می‌نمایند که مصداق تاریخی آن را می‌توان در جمودیت و ظاهرگرایی خوارج در جریان حکمیت و شعار «لَا حُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ» یافت که حکومت را از آن خدا می‌دانستند که امام علی(ع) در مورد اندیشه آنها می‌فرماید: کلمه حقی است که از آن باطل اراده می‌شود (نهج‌البلاغه، خطبه ۴۰). از طرف دیگر، عده‌ای از جریان‌های دینی که عقبه تاریخی آن به گروه مرجئه

بازمی‌گردد با انزواگرایی و پذیرش قضا و قدر جبریه موجب انفعال مسلمین شده‌اند (قادری، ۱۳۷۹: ص ۶۳). بنابراین، نمی‌توان در مراجعه به قرآن‌گزینشی عمل نمود و فقط به بخشی از یک آیه استناد کرد و گفت، خداوند فرمود: «وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ»، هر جا کافری را دیدید او را بکشید، در حالی که تکفیری‌ها به ظاهر آیه استناد و به راحتی دست به کشتار می‌زنند.

#### ۴. نقد مبانی معرفتی سلفیت با تاکید بر آیات قرآنی

##### ۴-۱. برداشت‌های نادرست تکفیری‌ها از آیات تکفیر

یکی از آیاتی که تکفیری‌ها در انجام عملیات‌های انتحاری با توجه به مبانی سطحی‌نگری خود از آن بهره برده‌اند، آیه «وَمَنْ لَمْ يَحْكُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ» است (مائده، ۴۴). تکفیری‌ها با استناد به آیه مذکور، مسلمانان به خصوص حاکمان کشورهای اسلامی را تکفیر و جنگ علیه آنها را واجب دانسته‌اند و بدون توجه به آیات بعدی و معنایی که مفسران بیان داشتند، کفر در این آیه را به خروج از اسلام معنا کرده‌اند که با تفسیر تمام علمای اسلام در تضاد است. حال آنکه خداوند در آیات بعدی برای توضیح و تفسیر بیشتر آیه مذکور را با تعبیر «فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (مائده، ۴۵) و «فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (مائده، ۴۷) خطاب نموده، اما تکفیری‌ها فقط به آیه اول توجه داشته و حال آنکه شخصی بخواهد فتوا و نظر دهد، باید تمام احادیث و اقوال مربوط به آن را ببیند و بعد از فحص فراوان و عدم دلیل دیگر فتوا دهد. در واقع زمانی یک مفهوم و مقصود از متن حاصل می‌شود که کل در ارتباط با جزء، و جزء در ارتباط با کل درک شود (علمداری معین، ۱۳۹۰: ص ۱۸۵). تکفیری‌ها که خود را پیرو سلفیت می‌دانند، به لوازم آن التزام ندارند، زیرا این گروه‌ها که قول سلف را فهم برتر می‌دانند باید به لوازم آن ملتزم باشند. در تفسیر آیه فوق ابن عباس «فاولئک هم الکافرون» را از مصادیق کفر اصغر معرفی و مرتکب آن را عامل خروج از اسلام نمی‌داند، اما جریان تکفیری که ادعای پیروی از صحابه را دارد بر اقوال و تفاسیر صحابه التزامی نداشته و دایره تکفیر را از کفر اصغر به کفر اکبر ارتقاء دادند. بر طبق فتوای علمای این جریان فکری، اگر حاکم اسلامی مختار باشد و حکم خلاف شرع دهد و قانونی به صورت دائمی

وضع شود، از مصادیق کفر اکبر بوده و حاکم از دایره اسلام خارج است؛ و یا کسی که به غیر از آنچه خدا نازل کرده، حکم کند با پیامبر دشمنی و احکام الهی را باطل و در نتیجه کافر شده است (هیأت البحوث و الافتاء الدوله الاسلامیه، ۱۴۲۶ق: ص ۳۵). برای روشن شدن خلط بحث و عدول از مبانی معرفت‌شناسی سلفیت که همان تأکید بر فهم سلف و صحابه است، به طرح این موضوع می‌پردازیم که اگر فهم سلف بر فهم بعدی برتری دارد، چرا سلفیان از پذیرش آراء سلفیان متأخر امتناع و بر نظر خود اصرار دارند. سلفیان متأخر از جمله ابن عباس معتقد است، آنچه در تفسیر مهم می‌باشد، مفهوم آن است، نه شأن نزول؛ شأن نزول آیات تبیین‌کننده مفهوم آیات است، نه تخصیص‌دهنده آیات. سلفی‌ها در این زمینه فراموش کرده‌اند که فهم سلف، فهم برتر است، یا شاید خود را به فراموشی زده‌اند. در حالی که خداوند در آیه ۹۴ سوره نساء می‌فرماید: «ای اهل ایمان، چون در راه خدا (برای جهاد با کفار) بیرون روید (در کار دشمن) تحقیق و جستجو کنید و به آن کس که اظهار اسلام کند و به شما سر تسلیم فرود آورد، نسبت کفر مدهید (مال و جانش را بر خود حلال کنید) و از متاع ناچیز دنیا چیزی غنیمت برید، که غنایم بی‌شمار نزد خداست. اسلام شما هم اول امر اظهار و تسلیمی بیش نبود، تا وقتی که خدا بر شما منت گذاشت، پس اکنون باید تحقیق کنید که خدا به هر چه کنید، آگاه است». به نظر می‌رسد این آیه در زمان ما نازل شده و خود اثباتی بر زمان شمولى و جهان‌شمولى قرآن کریم است، زیرا هم اکنون شاهدیم که چگونه تکفیرها به کشتن مردمان و کسب ثروت و غنائم و قدرت مشغول بوده و با بهانه‌های تکفیر اقدام به کشتن مسلمانان و مصادره اموال آنها می‌کنند.

#### ۴-۲. برداشت‌های نادرست از آیات هجرت

در دین اسلام، هجرت از جایگاه مهمی برخوردار است و آیات و روایات زیادی بر آن تأکید دارند، از جمله مهمترین ادله قرآنی بر وجوب هجرت، آیه ۹۷ سوره نساء است. به لحاظ مفهومی معانی گوناگونی از هجرت ارائه شده است. برخی علما با برداشت عام از روایت: «من هجر ما حرم الله عزوجل»، گفته‌اند: هجرت عبارت است از هر چیزی که خداوند از آن نهی کرده (نسایی، ۴۰۶ق: ج ۵، ص ۵۸) و یکی از مصادیق آن در معنای خاص ترک «دارالکفر و دخول به دارالسلام»

است (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۷۹ق: ج ۱، ص ۱۶) و اینکه چه عواملی منجر به وجوب هجرت بر مسلمین از یک سرزمین به سرزمین دیگر می‌شود در نزد علما اختلاف است و برخی فقها نیز شرایطی بر وجوب و عدم وجوب هجرت ذکر کرده‌اند، از جمله مهمترین آنها مسئله اظهار دین است. همه علمای اسلام بر این عقیده هستند که شخص مسلمان در صورت اظهار دین، جایز است در سرزمین کفر اقامت کند. اما گروه‌های تکفیری دامنه لزوم هجرت را گسترش داده و با بهانه تکفیر، حکومت‌ها اعم از مسلمان و غیرمسلمان و با جاهلی خواندن تمامی جوامع که برگرفته از اندیشه سید قطب است، هجرت را ابزاری برای هدف شوم خود قرار داده‌اند. تکفیری‌ها در مسئله اظهار دین تفسیرهای متفاوتی دارند، آنها معتقدند: اظهار دین صرفاً نماز خواندن، به مسجد رفتن و غیره نیست، بلکه به معنای تصریح بر کفر کافران، بیزارى جستن و طعنه زدن به آنان است، به نظر آنها اگر کسی به این صورت اظهار دین نکند، از خدا و رسولش تبعیت نکرده و باید از آنجا هجرت کند (عزام، بی‌تا/ الف: ص ۱۴). از این رو رهبران گروه‌های سلفی از جمله عبدالله عزام، آیات و روایات وارده در باب هجرت را در جهت اغراض شخصی خود تفسیر و به تبع آن هجرت را به معنای عام بدون در نظر داشتن شرایط مندرج در آن بکار گرفته و برداشت خشونت‌آمیز و تهاجمی دارند و بدین طریق زمینه جذب و مهاجرت پیروان خود را از کشورهای مختلف برای انجام عملیات‌های انتحاری در سرزمین‌های اسلامی فراهم نموده و انسان‌های بی‌گناه زیادی را به کام مرگ فرستادند. در حالی که هیچ یک از سرزمین‌های اسلامی به دارالکفر تبدیل نشده است. تکفیری‌ها همچنین با تفسیر نادرست از جاهلیت، اموری مانند توسل به دعا و تبرک به آثار صالحین را ناقض توحید عبادی و عملی دانسته و موجب کفر می‌دانند. در حالی که این چنین اعمالی از آموزه‌های دینی است که ریشه در قرآن و سنت دارد. از سوی دیگر، تکفیری‌ها بین جاهلیت ناشی از ضعف ایمان و جاهلیت منشعب از کفر، تمایزی قائل نیستند.

#### ۳-۴. برداشت نادرست از «قاعده ترس»

یکی از موارد سوءاستفاده گروه‌های تکفیری، برداشت نادرست آنها از قاعده ترس می‌باشد. ترس از ماده ترس به معنای سپر قرار دادن افراد بی‌گناه در میدان جنگ، جهت در امان ماندن از

تیررس حملات طرف مقابل است. مطابق این قاعده می‌توان به کشتن گروگان‌ها اقدام نمود که دشمن از آنها به عنوان سپر انسانی استفاده می‌کند. بکارگیری این قاعده از نظر فقهای اسلام شرایط خاصی دارد و فقها تنها در صورتی که شرایط اجرای این قاعده وجود داشته باشد فتوا به جواز جنگ می‌دهند. یکی از شرایط اصلی در جواز ترس، اصل ضرورت است (نجفی اصفهانی، ۱۴۰۴ق: ج ۲۱، ص ۷۴). اگر در جنگ با دشمن، رها کردن جنگ، موجب استیلای دشمن و ضرر به مسلمانان شود، فقها به لزوم پیکار و قتال با کفار حکم کرده‌اند، هرچند افراد بی‌گناهی که دشمن آنان را به عنوان سپر گرفته، کشته شوند (نووی، ۱۴۱۲ق: ج ۱۰، ص ۲۴۶)، مسلمانان وظیفه دارند تلاش کنند که گروگان‌ها مورد اصابت قرار نگیرند یا به قصد کشتن آنها حمله یا تیراندازی نکنند (خیر هیکل، ۱۴۱۷ق: ص ۱۳۳۴)، اما برخی از گروه‌های تکفیری بدون توجه به شرایط ترس با تشبیه عملیات‌های انتحاری و بمب‌گذاری به قاعده فقهی ترس می‌گویند: در جهاد امروز قتل کودکان و زنان به این صورت جایز است که مرتدین و فرزندان و زنانشان با مواد منفجره کشته شوند و جواز استناد این مسأله در کتب اهل علم آمده است، به این صورت که صحابه به همراه رسول خدا (ص) اهل طائف را با منجنیق رمی کردند (شافعی، ۱۴۱۰ق: ج ۷، ص ۳۶۹). فرضانی، بی‌تا: ص ۲۳۸). به نظر می‌رسد لازمه اصلی ترک یا اقدام به این قاعده تابع دو اصل ضرورت و مصلحت و نبود طرق دیگر برای دفاع و دفع تجاوز می‌باشد. مهم‌ترین نکته نهفته در قاعده ترس که متون و روایت دینی بر آن تاکید دارند، بحث اصالت کل در مقابل اصالت جزء می‌باشد، با این نگرش می‌توان استنباط کرد که کشته شدن فرد مترس در صورت ضرورت با عنایت به اصالت کل در مقابل جزء، جایز است، اما در غیر این صورت و احتمال وجود طرق دیگر برای مقابله با دشمن، قاعده ترس از حیث ضرورت ساقط می‌شود. قاعده ترس نه یک اصل، بلکه یک امر فرعی است و مطابق قاعده عقلی نوعی دفع افسد به فاسد می‌باشد. در حالی که گروه‌های تکفیری بدون در نظر گرفتن شرایط دفاع و جهاد با تمسک به این قاعده به عنوان یک اصل کلی و روش دفاعی موجب کشتار انسان‌های بی‌گناه اعم از مسلمان و غیرمسلمان می‌شوند.

#### ۴-۴. برداشت‌های نادرست از استشهاد

یکی از مواردی که گروه‌های تکفیری سوء استفاده کرده‌اند، مسئله استشهاد است. استشهاد از ماده شهد در لغت به معنای گواهی خواستن، کسی را به شهادت خواندن، کشته شدن در راه خدا است (ابن منظور، ۱۴۲۶ق: ج ۳، ص ۲۳۸). در اصطلاح «شیوه جدیدی برای مقاومت و رویارویی با دشمن که با وسایل و ابزار جدید کشنده، که در گذشته معمول نبوده، انجام می‌شود و مجری آن یقین یا ظن غالب دارد که خودش نیز در جریان عملیات به شهادت می‌رسد» (ورعی، ۱۳۸۲: ص ۳۱۹). مفاهیم هم‌سانی که در کنار استشهادی به کار برده می‌شود، انغماسی و انتحاری است. انغماس از ماده غوس به معنای نفوذ و فرو رفتن چیزی در چیزی است. در باب جهاد به کسی گفته می‌شود که برای مبارزه خود را در صف دشمن وارد می‌کند (ورعی، ۱۳۸۲: ص ۳۲۵). تفاوت انغماسی با استشهادی را در این دانسته‌اند که منغمس در صف دشمنان و به دست آنها کشته می‌شود، اما استشهادی به دست خودش. انتحار از ماده نحر به معنای «ذبح» (جوهری، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ص ۸۲۴) اصطلاحی است برای کسی که نفس خود را قربانی کرد و به طور کلی به انجام فعل اختیاری و عامدانه که به مرگ انسان ختم شود، اطلاق می‌شود (عبدالرحمن، ۱۴۱۹ق: ج ۳، ص ۳۰۱). هرچند در انتحار و عملیات شهادت طلبانه از جهت اینکه فرد به دست خودش کشته می‌شود، تشابه وجود دارد، ولی شرع بین حکم دو چیزی که در ظاهر مثل هم بوده، ولی در نیت و قصد متفاوت هستند، فرق می‌گذارد. پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَ لِكُلِّ أَمْرٍ مَا نَوَى» (حرعاملی، ۱۴۱۲ق: ص ۵۲). ملاک در انجام یک عمل علاوه بر حسن فاعلی، حسن فعلی بوده و اصل بر نیت و قصد قبلی در عمل است. قتل نفس به طور کلی حرام نیست، تحریم قتل نفس معلق بر خود قتل نیست، بلکه به اسبابی مربوط است که انگیزه قتل می‌شود. پس هر کس به سبب ضعف ایمان و نداشتن ایمان خود را بکشد، او منتحر است، اما اگر از روی قوه ایمان و حب به خدا و رسول او خود را بکشد، او منتحر نیست، بلکه عامر به امر خداست. پس مناط و ملاک تحریم قتل متفاوت است.

با این حال هرگز نمی‌توان اقدامات تروریستی گروه‌های تکفیری را مصداق عملیات

شهادت‌طلبانه قلمداد کرد، این گروه‌ها بدون توجه به شرایط و جوب جهاد و کسانی که می‌توان علیه آنان اقدام استشهادی انجام داد، با نگاه تنگ‌نظرانه خود، بسیاری از مسلمانان را از محدوده اسلام خارج و خون آنها را مباح و سپس از بین بردن آنان را با هر وسیله‌ای جایز می‌دانند. آنها بدون توجه به انعکاس منفی اقدامات تروریستی، خود را نماینده اصلی اسلام معرفی و چهره نامطلوبی از اسلام به جهانیان ارائه می‌دهند. مطابق روایات متواتر، رسول گرامی اسلام (ص) در زمان اعزام سپاهیان خود برای جنگ، آنها را از مثله کردن، قطع اشجار و کشتن سالخورده‌گان، کودکان و زنان منع داشته است، مگر در حالت اضطرار (ابوداود، بی‌تا: ج ۳، ص ۳۷). در حالی که بیشتر قربانیان عملیات‌های انتحاری، مسلمانان بی‌گناه و زنان و کودکان هستند.

علمای اسلام شروطی را برای مشروعیت استشهاد ذکر کرده‌اند که مصححت برای اسلام و مسلمانان و إذن امیر و حاکم شرع، از مهمترین شرایطی است که از سوی گروه‌های تکفیری انکار شده است. افزون بر اینکه جامعه هدف باید دو شرط کافر بودن و محارب بودن را داشته باشد، اصلی که در نزد سلفی‌ها به فراموشی سپرده شد (چگینی، ۱۳۹۷: ص ۱۰) و شخص متحر در هیچ یک از ابعاد ذکر شده کمترین شباهت را به مجاهد فی سبیل الله ندارد. متحر نه قصد و انگیزه‌اش الهی بوده و نه در مقام دفاع از ایمان و اعتقاد دینی است. بلکه عمل او نشانه بی‌ایمانی یا ضعف ایمان است (برجی، ۱۳۸۶: ج ۱، ص ۸۱). از سوی دیگر، بسیاری از اقدامات گروه‌های تکفیری در عملیات‌های انتحاری، حالت دفاعی و دفع تجاوز نداشته و آنها هیچ‌گونه تفکیکی بین جهاد دفاعی و ابتدائی قائل نیستند. به نظر می‌رسد در جهاد ابتدائی انجام عملیات استشهادی منتفی است، زیرا که در جهاد ابتدائی شروع‌کننده جنگ مسلمانان هستند و لازمه آن فراهم شدن شرایط و داشتن توانائی و ابزار جنگی و قدرت غلبه بر دشمن است، ولی در جهاد دفاعی، شروع‌کننده جنگ کفار و مشرکانی هستند که مسلمانان را در معرض تجاوز قرار می‌دهند.

#### ۴-۵. برداشت‌های نادرست تکفیری‌ها از آیات جهاد

غالب تکفیری‌ها جهاد را صرفاً به معنای قتال و کشتن تفسیر، و در تعامل با کفار و مشرکان، اصل را بر قتال و کشتن می‌دانند (ابن عبدالعزیز، بی‌تا: ص ۳). آنان معتقدند آیات دال بر صبر، عفو و

گذشت: «خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ» (اعراف، ۱۹۹)، به واسطه آیاتی مانند «فَقَاتِلُوا أُيْمَةَ الْكُفْرِ» (توبه، ۱۲) و «فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ» (توبه، ۵)، نسخ، کسی نمی‌تواند با تمسک به این آیات، جهاد را بر زمین بگذارد. لذا، دست به مبارزه مسلحانه زده و مخالفان خود را اعم از مسلمانان و غیرمسلمانان به قتل می‌رساند. بمب‌گذاری‌ها در مساجد و عملیات‌های انتحاری در اماکن عمومی به انگیزه ایجاد وحشت بین مردم عادی، ناشی از نگاه گزینشی به آیات و تفسیرهای غیرصحیح از آیات جهاد و قتال فی سبیل الله است. تکفیری‌ها جهاد را مصطلح شرعی در قتال علیه کفار و مشرکان دانسته و معتقدند استعمال آن در معنای غیر از این، خروج از مصطلح شرعی است. «کلمه الجهاد مصطلح شرعی معناه القتال ولا يجوز التوسع فيه» (عزام، بی‌تا/ب: ج ۱، ص ۴۷۸). آنان حتی تقسیم جهاد به اکبر و اصغر را تحریف تلقی و می‌گویند: نام‌گذاری جنگ علیه دشمن خارجی به جهاد اصغر خیانتی در حق جهاد فی سبیل الله است و باعث بی‌توجهی مسلمانان به جهاد می‌شود (ثاقب، بی‌تا: ص ۱۲). در حالی که جهاد در اصطلاح شرعی به معنای قتال نیست و هیچ‌گاه بلاد اسلامی به دارالکفر تبدیل نشده است، زیرا آنان به حاکمیت الله و رسول خدا(ص) معتقدند. از این رو آیه «وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ» (مانده، ۴۴) قابل انطباق بر آنان نیست، زیرا واژه جهاد در برخی از آیات به معنای قتال نیست، مانند «فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا» (فرقان، ۵۲)، «از کافران اطاعات مکن و به وسیله قرآن با آنان جهاد بزرگی بنما». ابن کثیر از ابن عباس نقل کرده است که «جاهد هم به ای بالقرآن» (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق: ص ۳۲۲). با توجه به مکی بودن سوره فرقان، مراد از جهاد به واسطه قرآن، بیان براهین قرآنی برای کفار است (عبیدی، بی‌تا: ص ۵) و اساساً معنا ندارد که پیامبر(ص) با ابزاری به نام قرآن که کتاب هدایت است، کفار را به قتل برساند. جهاد گاهی دارای معنای اعم از قتال است، مانند کسی که جهاد و تلاش می‌کند، حقاً به نفع خود جهاد کرده، زیرا خداوند از همه جهانیان بی‌نیاز است (عنکبوت، ص ۶). گاهی هم بین سلف، اختلاف است که جهاد را به معنای قتال بدانند یا اعم از قتال (طبری، ۱۴۱۲ق: ج ۱، ص ۱۲۷). این اختلاف بین متأخرین نیز وجود دارد و برخی مانند صاحب المیزان معتقدند چه بسا جمله «وغلظ علیهم» در ادامه جمله «جاهد الکفار و المنافقین»، شاهدهی بر این باشد که مقصود از جهاد در

آیه، غلظت و سخت‌گیری است، نه قتال و کشتن (طباطبایی، ۱۳۹۰: ص ۳۴۰). بنابراین، جهاد صرفاً به معنای قتال نیست و مفهوم آن مطلق است. لذا، به کلیه تلاش‌های انسانی در جهت اعتلای اسلام و پرچم توحید را می‌توان مصداق جهاد دانست. از طرف دیگر، جهاد در راه خدا شروطی دارد که در قرآن و سنت ذکر گردیده، ولی تکفیری‌ها در مراجعه به آنها گزینشی عمل نموده و بدون تحقیق و تفحص به ظاهر آیه عمل می‌کنند.

### ۵. نتیجه‌گیری

شناخت حقیقی از نصوص دینی و هر مکتب دیگر زمانی حاصل می‌شود که از تمامی منابع شناخت در کشف مقصود مولف بهره برد و تاکید بر یک ابزار و عدم اعتناء به سایر روش‌ها باعث فهم ناقص و نادرست می‌شود. جریان‌های تکفیری با کج‌فهمی از اسلام و متون دینی، پیوسته در دامن نقل و ظاهرگرایی نصوص دینی گرفتار و نتوانستند مقصود شارع مقدس را به طور صحیح درک نمایند. اشکال تکفیری‌ها در مراجعه به قرآن برخورد گزینشی با آیات قرآنی است. با نگاه ناقص و عدم برقراری پیوستگی در بین نصوص دینی و استناد به ظاهر آیات مربوط به جهاد، هجرت و تکفیر و غیره بدون تحقیق و تفحص، دست به هر اقدامی می‌زنند و در انجام عملیات‌های انتحاری تحت عنوان جهادی و استشهادی زمینه کشتار انسان‌های بی‌گناه را فراهم ساخته و درصدد مشروع جلوه دادن کشتارهای خود هستند. در حالی که همه اقدامات انتحاری آنها خودکشی بوده، ولو اینکه خود را در مسیر حق بدانند. تکفیر موجب واگرایی و بی‌اعتمادی فرقه‌های مختلف مسلمانان به یکدیگر شده و باعث خواهد شد پیروان هر فرقه‌ای بدون دلیل یا علم کافی فرقه‌های دیگر را تکفیر نمایند، در حالی که جامعه اسلامی هم اکنون نیاز شدیدی به هم‌گرایی و اتحاد دارد. از سوی دیگر، تکفیر و مجموعه رفتارها موجب معرفی چهره‌ای خشن از اسلام به جهانیان و دامن زدن به اسلام هراسی در جهان شده و این مطلب مطابق با ایده و برنامه‌های غرب برای مقابله و جلوگیری از تمایل شدید جوانان به اسلام است، تا بدینوسیله جوامع خود را از موج اسلام‌خواهی مصون داشته و به جای آن، اسلام هراسی و اسلام‌ستیزی را جایگزین کنند.

## منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

۱. ابن تیمیه، احمد ابن عبدالحلیم (۱۹۷۱ق). درء تعارض العقل و النقل. تحقیق محمد رشاد سالم. قاهره: مطبعه دارالکتب.
۲. ابن حجر عسقلانی، احمد (۱۳۷۹ق). فتح الباری شرح صحیح البخاری. بیروت: دارالمعرفه، ج ۱.
۳. ابن عبدالعزیز، عبد القادر (بی‌تا). العمده فی اعداد العده للجهد. دسترسی به نسخه الکترونیکی در نرم‌افزار المکتبه الشامه.
۴. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۹ق). تفسیر القرآن العظیم. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۲۶ق). لسان العرب. بیروت: دار الفکر للطباعه و النشر و التوزیع، ج ۳.
۶. ابوداود، سلیمان (بی‌تا). سنن ابی داود. تحقیق محمد محیی الدینی عبدالحمید. بیروت: المکتبه العصریه، ج ۳.
۷. اشعری، ابوالحسن (۱۳۲۱ق). الابانه عن اصول الدیانة. تحقیق فوکیه حسین محمود. قاهره: انتشارات دارالانصار.
۸. برجی، یعقوب علی (۱۳۸۶). ترور و دفاع مشروع. قم: زمزم هدایت، ج ۱.
۹. ثاقب، عبدالودود (بی‌تا). رد شبهات جهاد. کابل: بی‌نا.
۱۰. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۷ق). الصحاح تاج اللغه و صحاح العربیه. تحقیق احمد عبدالغفور عطار. بیروت: دارالعلم للملایین، ج ۲، چاپ چهارم.
۱۱. چگینی، رسول (۱۳۹۷). نقد مبانی سلفیه جهادی. قم: رهویان اندیشه.
۱۲. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۲ق). تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. قم: مؤسسه آل‌البت للاحیاء التراث.
۱۳. حقیقت، صادق (۱۳۹۳). مبانی اندیشه سیاسی در اسلام. قم: انتشارات دانشگاه مفید.
۱۴. خیر هیکل، محمد (۱۴۱۷ق). الجهاد و القتال فی السیاسه الشرعیه. بیروت: دار ابن حزم.
۱۵. شافعی محمد ابن ادیس (۱۴۱۰ق). الام. بیروت: دارالمعرفه.
۱۶. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۸۹). ترجمه تفسیر المیزان. قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۲.

۱۷. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۸. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دارالمعرفه، ج ۱.
۱۹. عالم، عبدالرحمن (۱۳۹۰). تاریخ فلسفه سیاسی غرب. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
۲۰. عبدالرحمان، محمود (۱۴۱۹ق). معجم المصطلحات و الالفاظ الفقیهه. قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۳.
۲۱. عبیدی، منیر هاشم خضیر (بی تا). جهاد اطلب بین الاقدمین و المعاصرین. بی نا.
۲۲. عزام، عبدالله (بی تا/ب). تفسیر سوره التوبه. بی جا: بی نا.
۲۳. عزام، عبدالله یوسف (بی تا/الف). اتحاف العباد بفضائل الجهاد. پاکستان، پیشاور: مرکز شهید عزام الاعلامی.
۲۴. علمداری معین، جهانگیر (۱۳۹۰). اثبات گرایی و فرا اثبات گرایی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۵. علی زاده موسوی، مهدی (۱۳۸۹). تبارشناسی سلفی گری و هایت. قم: انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی.
۲۶. عمید زنجانی، عباس علی (۱۳۸۴). فقه سیاسی. تهران: امیرکبیر، ج ۱.
۲۷. فیرحی، داوود (۱۳۸۷). نظام سیاسی دولت در اسلام. تهران: انتشارات سمت.
۲۸. فیرحی، داوود (۱۳۹۴). قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام. تهران: انتشارات نی.
۲۹. قادری، حاتم (۱۳۷۹). اندیشه های سیاسی در اسلام و ایران. تهران: انتشارات سمت.
۳۰. قوام، عبدالعلی (۱۳۹۲). سیاست شناسی. تهران: انتشارات سمت.
۳۱. منوچهری، عباس (۱۳۹۶). رهیافت و روش شناسی. تهران: انتشارات سمت، چاپ هشتم.
۳۲. میراحمدی، منصور؛ ولدبیگی، علی اکبر (۱۳۹۵). تروریسم و عملیات استشهادی. سیاست متعالیه، سال چهارم، شماره دوازدهم: ص ۱۲۰.
۳۳. نجفی اصفهانی، محمدحسن (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۲۱.
۳۴. نسایی، احمد (۱۴۰۶ق). السنن الصغری. تحقیق عبد الفتاح ابو غده. حلب: مکتب المطبوعات الاسلامیه، ج ۵.
۳۵. نووی، یحیی بن شرف (۱۴۱۲ق). روضه الطالبین و عمدہ المفتین. تحقیق زهیر الشاویش. بیروت: المکتب الاسلامی، ج ۱۰.
۳۶. هیأت البحوث و الافتاء الدوله الاسلامیه (۱۴۲۶ق). مقرر فی التوحید للمعسکرات. بی جا: انتشارات مکتبه.
۳۷. ورعی، سیدجواد (۱۳۸۲). مبانی فقهی عملیات شهادت طلبانه. حکومت اسلامی، شماره ۲۷: ص ۳۲۵.